

اثربرداری سلفیه از روایات ابو هریره در مباحث «تجسیم» و «صفات خبری»

رامیل عظیم اف*

** محمد تقی دیاری بیدگلی

چکیده

یکی از مباحث مهم در علم کلام بحث توحید است. و در میان مباحث توحیدی صفات خداوند و بخصوص صفات خبری حضرت حق از قرون اولیه اسلام مورد توجه متکلمان و دانشمندان اسلامی بوده است. در مورد تفسیر و شرح معانی و مقاصد صفات خبری بین فرق مختلف اهل سنت اختلافات زیادی وجود دارد. یکی از این فرق، فرقه سلفیه و سردمدار آن ابن تیمیه می باشد که صفات خبری خداوند را به معنای حقیقی و لغوی آن معنا می کند. و به جسمانیت خداوند متعال قائل هست. مبنای وی در تفسیر صفات خبری اخذ به معنای ظاهری و لغوی و عدم تاویل و تفسیر صفات خبری است و منشاء اصلی دیدگاه های ایشان آیات متشابه و روایات ابوهریره است. این نوشتار در صدد تحلیل و بررسی دیدگاه های ابن تیمیه در مورد صفات خبری و بیان میزان اثربرداری آن از روایات ابوهریره است.

واژگان کلیدی: صفات خبری، تجسیم، ابن تیمیه، ابو هریره، آیات متشابه

مقدمه

بحث صفات خبری یکی از جنجالی ترین مباحث در علم کلام است که در میان فرق متخلف کلامی در باره معانی این صفات پنج دیدگاه مختلف وجود دارد. مانند: اثبات با تاویل، اثبات بدون تاویل، اثبات بلا کیف، تفویض و تجسیم و تشبیه.

دیدگاه ابن تیمیه اثبات بدون تاویل یعنی نصوص وارد شده در قرآن و روایات اسلامی در باره صفات خبری را بدون تاویل و تفسیر می پذیرد. یعنی اگر در قرآن در باره خداوند کلمه ید (دست) به کار برده شده، ما باید معنای لغوی آن را قبول کنیم و بگوییم خداوند مانند انسان دست دارد. در این پژوهش قصد بر آن است که پس از مفهوم شناسی واژه صفات خبری و مفاهیم مربوط به آن، دیدگاه و دلایل ابن تیمیه در مورد صفات خبری بررسی شود و میزان اثرپذیری ابن تیمیه در صفات خبری از روایات ابوهریره نشان داده شود.

مفهوم شناسی

صفات خبری:

به صفاتی که در قرآن کریم برای خداوند مانند: ید، وجه، مجییء، استوا بر عرش، دست و پا و صورت و رویت و... ذکر شده، صفات خبری می گویند. چنان که آیات مربوط به آنها را آیات متشابه می نامند. (جعفر سبحانی، الالهیات ج ۱ ص ۳۱۷)

تجسیم:

منظور از دیدگاه تجسیم، این است که شباهتی تام بین خالق و مخلوق وجود دارد و صفات خبری به همان معنا که در مخلوقات است، در باره خداوند نیز صدق می کند. مشبیه، حشویه و مجسمه که شاخه ای از اهل حدیث اند، این صفات را با تشبیه و تکلیف برای خداوند ثابت می دانند. (محمد بن عبد الکریم شهسرتانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۰۵)

ابن تیمیه:

ابن تیمیه یکی از دانشمندان سلفیه قرن هفتم است که در عصر خود به سبب دیدگاه های مخالف با جامعه اهل سنت و شیعه مورد هجمه و اعتراض از طرف علمای اسلام قرار گرفت.

آیات متشابه

منظور از آیات متشابه آیاتی است که به سبب بالا بودن سطح مطلب یا جهات دیگر، در آغاز پیچیده به نظر آمده بدون قرینه، مراد و مقصود از ظاهر آن معلوم نیست. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۳۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۳۳)



دیدگاه در باره تجسیم

وقتی سخنان و دیدگاه ابن تیمیه مورد بررسی قرار دهیم باور او به جسمانی بودن خداوند متعال آشکار می شود. او در کتاب های مختلف خود گاه صریحا و گاهی غیر صریح به جسمانیت خداوند اعتراف کرده است. علاوه بر این دیدگاه را به امت و صحابه و تابعان نسبت می دهد و گویی برای خود جای فراری قرار می داد و می خواهد بگوید این دیدگاه مخصوص من نیست صحابه و تابعیان نیز به جسمانی بودن خداوند قائل بودند. و در اینجا دیدگاه ابن تیمیه در باره جسم بودن خداوند از کتب مختلف ایشان نقل می کنیم:

ابن تیمیه در کتاب «موافقه صریح المعقول لصحیح المنقول»، در تفسیر آیه ی: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (الشوری، ۱۱) و نیز در تفسیر: «هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا»؛ (مریم، ۶۵) این جمله را دارد:

"هرگز این آیات، بر این دلالت ندارد که خدا صفاتی (چون صفات بشر مانند دست و صورت و پا نداشته) باشد و همچنین گواه بر آن نیست که خدا جسم به معنایی که اهل اصطلاح می گویند، نباشد". (ابن تیمیه حرانی، موافقه صریح المعقول لصحیح المنقول، ج ۱، ص ۲۶)

در همان کتاب می گوید: "سخن درباره ی جسم بودن خدا و بدگویی از کسانی که خدا را جسم می دانند در سخن پیشوایان حدیث نیامده است، آنان نه گفته اند که خدا جسم است و نه آن را نفی نموده اند". (همان، ج ۱، ص ۸۴)

وی در «منهاج السنه» می گوید:

"آنچه علامه حلی درباره ی لفظ جسم و لوازم آن مانند عرض و طول و عمق گفته که در کتاب خدا و سنت رسول در این باره، نقیاً و اثباتاً سخن گفته نشده است و احدی از صحابه و تابعان و نه اهل بیت، در این باره گفتاری ندارند" (ابن تیمیه حرانی، منهاج السنه: ج ۱، ص ۱۹۷ و ۲۰۴) تا این جا ایشان از اظهار عقیده ی واضح خودداری کرده و معتقد است ما هیچ کدام را برای خدا اثبات نمی کنیم، و نه در ردیف مجسمه و نه در ردیف منزله هستیم، ولی در جای دیگر از منهاج السنه، سخنی دارد که صریحا می گوید:

"و گاهی مقصود از جسم چیزی است که به آن اشاره می شود یا دیده می شود یا حامل صفات [خبری] است؛ زیرا خدا در آخرت دیده می شود، و مردم به هنگام دعا با دست و قلب و صورت به او اشاره می کنند، اگر مقصود از این که جسم نیست، این باشد، جسمیت به این معنی ثابت است، و نقل و عقل بر آن دلالت دارد". (همان، ج ۱، ص ۱۸۰)

وی در کتاب «بیان تلبیس الجهمیه» می گوید: در کتاب خدا و سنت رسول الله و بین سخنان امت سلف و ائمه سلف جسم نبودن خداوند و جسم و اعراض نبودن صفات خدا ذکر نشده است. (ابن تیمیه حرانی، بیان تلبیس الجهمیه، ج ۱، ص ۱۰۱)

ابن تیمیه می گوید: خدا جسم است ولی نه مانند اجسام نیست. یعنی جسم خداوند متعال از اجسام متعارف فرق دارد. (ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۳، ص ۱۶۸)

ابن تیمیه در رساله ی «العقیده الواسطیه» خدا را چنین توصیف می کند:

او خدا را در این عبارت چنین توصیف می کند:

۱- او بالای آسمانها قرار گرفته است.

۲- بر تخت خود نشسته است.

۳- از خلق خود بالاتر است. (ابن تیمیه حرانی، مجموعه الرسائل الکبری، الرسالة التاسعة، ج ۱، ص ۴۰۱)

چنانکه ملاحظه کردید ابن تیمیه قائل به تجسیم است و در کتب مختلف خود اعتراف می کند که خداوند جسم است و دلیلش هم سنت رسول الله (ص) و آیات قرآن و عقل است. و این دیدگاه را به همه امت وصحابه و تابعان نسبت داده و می گوید:

" از پیامبر (ص) متواتراً به رسیده و همه امت سلف می گویند جسم است و بر بالای عرش خود نشسته است. ولی جسمیت خداوند مانند جسمیت مخلوقات نیست و کیفیت جسمیت خدا را نیز غیر معلوم می داند" (ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی ج ۴ / ص ۱۸۵)

یعنی همان دیدگاه اشاعره که به دیدگاه بلا کیف و تکلیف قائلند و می گویند خدا جسم است و اعضای بدن دارد ولی ما چگونگی و کیفیت آن را نمی دانیم و ابن تیمیه نیز عیناً این دیدگاه را دارد.

دیدگاه کلی ابن تیمیه در باره صفات خبری

ابن تیمیه بعد از ذکر حدیث پا دیدگاه کلی خودش را در باره صفات خبری و آیات صفات بیان نموده و گوید:

" و احادیث دیگری که در این مورد به ما رسیده و یا نرسیده ما به آنها باور داریم و آیاتی در باره صفات خداوند وارد شده است ما آنها را قبول داریم « تحریف نمی کنیم و کیفیتش را بیان نمی کنیم و در مورد آنها قائل به تعطیل و تاویل نیستیم. و بر اساس عقل بر چیزی حمل نمی کنیم. و صفات خداوند را به صفات مخلوقات تشبیه نمی کنیم و بر اساس رای خودمان عمل نمی کنیم. و چیزی از آنها کم و زیاد نمی کنیم. بلکه به آنها ایمان می آوریم. علم آنها را به عالم

واگذار می کنیم. چنانکه سلف صالح عمل کردند و آنها در هر علمی رهبر و سرور ما هستند. " (همان)

این توضیح در واقع مبنای ابن تیمیه و پیروان ایشان است. آنها در مورد صفات خداوند به ظاهر آیات و روایات اعتقاد دارند و می گوید احادیث و آیات باید به معنای لغوی و ظاهری آنها معنا کرد. ما حق تفسیر و تاویل نداریم. و با کسانی احادیث و آیات را تاویل و تفسیر می کنند برخورد شدید می کنند.

دیدگاه ابن تیمیه در باره تفسیر صفات خبری خداوند

ابن تیمیه مانند همه نص گرایان اهل سنت به قائل به حقیقی بودن صفات خداوند در آیات و روایات است. یعنی اگر در آیات و روایات دست داشتن خداوند آمده باشد، ما نباید این را به معنای مجازی تفسیر کنیم؛ بلکه باید بگوییم خداوند واقعا دست دارد. ما در این بخش دیدگاه و دلایل ابن تیمیه در باره حقیقی بودن صفات خداوند مورد بررسی قرار می دهیم.

حدیث نزول خداوند

ابن تیمیه بر تفسیر لفظی حدیث نزول اصرار دارد و آن این که خدا در بخشی از شب به آسمان نخست فرود می آید و می گوید: آیا استغفارکننده ای هست یا نه؟

ایشان در کتاب مجموع الفتاوی می گوید: سنت مفسر قرآن است و بر آن دلالت می کند و آن را بیان می کند. و رسول الله خداوند را با احادیث صحیح وصف می کند. این احادیث را اهل معرفت قبول کردند و ایمان به آنها را واجب دانستند. مانند: حدیث: ينزل ربنا الی سماء الدنيا کل لیلة حین یبقی ثلث اللیل الآخر فیقول من یدعونی فأستجب له من یسألنی فأعطیه من یتستغرنی فأغفر له^۱

وقوله یضحک الله الی رجلین یقتل أحدهما الآخر کلاهما یدخل الجنة^۲

^۱- ابن تیمیه متن حدیث ابوهریره را نقل کرده ولی اسمی از آن نبرده است این حدیث در متون مختلف حدیثی با این عبارت از ابوهریره نقل شده :

صحیح البخاری ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۹۸ -- حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ عَنْ مَالِكٍ عَنْ ابْنِ شَهَابٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْأَخْرِ يَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِبْ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ.

^۲- راوی این حدیث ابوهریره است و حدیث فوق در کتب حدیثی اینگونه نقل شده است:
- سنن ابن ماجه / ج ۱ / ۱۹۱ / باب فیما أنکرت الجهمیه _____ ۱۹۱ - حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا

احادیث فوق از طرف علمای مورد اتفاق می باشد. (ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۳ / ص ۱۳۸)

ابن بطوطه می گوید: ابن تیمیه پس از آن که زندانی شد، مادرش به ملک ناصر شکایت کرد و او دستور آزادی وی را دارد. آن زمان من در دمشق بودم. ابن تیمیه در منبر داشت مردم را نصیحت و تذکر می داد. و از جمله سخنان ابن تیمیه این بود: خداوند به آسمان دنیا اینگونه نازل می شود و بعد از منبر به پایین آمد. و در این موقع یک فقیه مالکی به نام ابن الزهراء به ابن تیمیه اعتراض کرد و حرفهای ابن تیمیه انکار کرد در این موقع مردم به پا خواستند و این فقیه با با دست و نعلین هایشان به شدت زدند. (ابن بطوطه اللواتی، الرحلة، ص ۹۵-۹۶)

پای خداوند

ابن تیمیه در کتاب مجموع الفتاوی احادیث ذیل نقل می کند:

به درستی که رحمت من از غضبم سبقت می گیرد.

همیشه افراد جهنمی به آن انداخته می شوند و جهنم می گوید: آیا باز هم هست؟ تا اینکه خداوند پای خود در آن می گذارد. و جهنم می گوید: بس بس^۱

خداوند پیش اهل بهشت با صورتی او را بشناسند می آید و می گوید من رب شما هستم و آنها می گویند: تو رب ما هستی؟^۲

خداوند بندگان را در روز قیامت یک جا جمع می کند و از دور ندا می دهد ولی این صدا را نزدیک تصور می کنند و می گوید: من ملک هستم، من دیان هستم.

وَكَيْعٌ، عَنْ سُقْيَانَ، عَنْ أَبِي الزِّنَادِ، عَنِ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ؛ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ يَضْحَكُ إِلَيَّ رَجُلَيْنِ يَقْتُلُ أَحَدُهُمَا الْأُخْرَى، كِلَاهُمَا دَخَلَ الْجَنَّةَ،

^۱-راوی این حدیث ابوهریره است و اصل حدیث این است:

محمد بن اسحاق بن خزیمه، التوحید، ج ۱ / ص ۱۳۸-۱۱۱ - حدیثنا محمد بن یحیی، قال: ثنا حجاج بن منهال الأنماطی، قال: ثنا حماد، عن عمار، عن أبي هريرة، رضى الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: يلقى في النار أهلها، وتقول: هل من مزيد؟ حتى يأتئها ربها فيضع قدمه عليها وتقول: قط قط قط

^۲-راوی این حدیث ابوهریره است و در ضمن حدیث رویت این جمله آمده است:

محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری؛ ج ۱۱؛ ص ۱۴۹ - حدیثنا عبد العزيز بن عبد الله، حدیثنا إبراهيم بن سعد، عن ابن شهاب، عن عطاء بن يزيد اللیثی، عن أبي هريرة:..حتى يأتئنا ربنا، فإذا جاءنا ربنا عرفناه، فيأتئهم الله في صورته التي يعرفون، فيقول: أنا ربكم، فيقولون: أنت ربنا



و بعد از ذکر این احادیث می گوید: و احادیث دیگری که در این مورد به ما رسیده و یا نرسیده ما به آنها باور داریم. صفات خداوند را به مخلوقات تشبیه نمی کنیم. به آنها ایمان می آوریم. علم آنها به عالم واگذار می کنیم. (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۴ / ص ۱۸۵)

خنده خداوند

ابن تیمیه در باره خنده خداوند می گوید:

سنت مفسر قرآن است و بر آن دلالت می کند و آن را بیان می کند. و رسول الله خداوند را با احادیث صحیح وصف می کند. این احادیث را اهل معرفت قبول کردند و ایمان به آنها را واجب دانستند. مانند:

۱- حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم :

خداوند متعال منتظر می ماند تا ثلث از شب بگذارد بعد از آن به روی زمین هبوط می کند و می گوید:

آیا دعا کننده ای هست که دعایش را مستجاب کنم؟ آیا استغفار کننده ای هست که او را ببخشم؟

۲- و نیز حدیث حضرت صلی الله علیه و سلم :

خداوند بر دو نفر می خندد. که یکی آن دیگری را بکشد و هر دو داخل بهشت گردند.

۳- حدیث حضرت صلی الله علیه و سلم :

همیشه افراد جهنمی به آن انداخته می شوند و جهنم می گوید: آیا باز هم هست؟ تا اینکه خداوند پای خود در آن می گذارد. و جهنم می گوید: بس بس

همه این احادیث مورد قبول می باشند. (ابن تیمیه حرانی؛ العقیده الواسطیه، ج ۱ / ص ۱۰)

دست خداوند

ابن تیمیه می گوید: با شخصی در باره دست خداوند بحث می کردم و به او گفتم:

در احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم دست داشتن خداوند به حد تواتر رسیده است.

معنای دست داشتن خداوند این است که خداوند دو دست مخصوص ذاتش و شایسته جلال خودش را دارد. و خداوند متعال حضرت آدم را با دستش آفرید و زمین را با دستش قبضه کرده و آسمان با دست راستش در هم می پیچد. و دو دست او باز است و معنای باز شدن این خداوند بخشش می کند و بخشش او گسترده است. چون غالباً بخشش و عطا کردن با دست باز محقق می شود.

بعد از این بحث ها در باره معنای الفاظ آیات متشابه می گوید:

ما منکر زبان عربی که قرآن با آن زبان نازل شده، نیستیم. ولی تاویل کنندگان صفات خداوند آیات صفات را تحریف کردند و در اسمای و آیات خداوند منحرف شدند و گفتند که منظور از "یداه مبسوطتان و لما خلقت بیدی" نعمت دنیا و آخرت است. و گفتند منظور قدرت خداوند است. کنایه از خود بخشش است و دست در این آیات غیر حقیقی است. بلکه این کلمه در عطا و بخشش حقیقت دارد. (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۶، ص ۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵)

ابن تیمیه در این عبارت در واقع دیدگاه خودش و پیروانش در باره معنا و مفهوم آیات و روایات صفات خداوند بیان می کند. ایشان با جمله -ما زبان عربی که قرآن در آن زبان نازل شده- و بدگویی از تاویل کنندگان می خواهد بگوید ما باید آیات و روایات متشابه را به معنای لغوی و ظاهری معنا کنیم و تاویل و تفسیر آنها به غیر معنای لغوی موجب انحراف می شود. و از این کار به شدت منع می کند. چون تاویل کنندگان را منحرف از آیات و محرف آنها می داند.

ذکر ادله روایی

ابن تیمیه در ادامه بحث دست خداوند به احادیثی به نظر او صحیح است، تمسک می کند و با این طریق ادعای خود را به اثبات می رساند. ایشان می گوید: در حدیث صحیحی از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده آمده است:

عن ابی هریره قال قال رسول الله يقبض الله الارض ويطوى السماء بيمينه ثم يقول انا الملك این ملوک الارض

رسول الله (ص) فرمود: خداوند زمین را با دستش قبضه کرده و آسمان را در هم می پیچد و من پادشاهم، کجایند پادشاهان زمین؟ (همان، ص ۳۷۱) و احادیث دیگری با این حدیث هم معنا هستند.

و در حدیث صحیح دیگری آمده است:

، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ فَقَالَ اللَّهُ لَهُ وَ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ: اخْتَرُ

زمانی که خداوند حضرت آدم را آفرید در حالی که دو دستش قبضه شده بود، به او گفت: انتخاب کند. (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۶ / ص ۳۷۱)

در حدیث صحیح دیگری آمده است:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: " لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْخُلُقَ، كَتَبَ بِيَدِهِ عَلَى نَفْسِهِ: إِنْ رَحْمَتِي تَغْلِبُ غَضَبِي



خداوند زمانی که مخلوقات آفرید بر خود واجب کرد که بدرستی که رحمت بر غضبم غلبه می کند. (همان)

و در حدیث صحیح دیگری نقل شده :

عن أبي هريرة، رضى الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «احتج آدم وموسى عليهما السلام، فقال آدم: يا موسى، اصطفاك الله بكلامه، وخط لك التوراة بيده، فقال موسى: يا آدم أنت الذى خلقك الله بيده، ونفخ فيك من روحه

آدم و موسى (ع) احتجاج می کردند. آدم به موسى گفت: یا موسى خداوند تو را با کلامش (با تو مکالمه فرمود) برگزید و با دست خود تورات را برای تو نوشت و موسى به آدم گفت: خداوند تو را دستش آفرید و از روحش به تو دمید. (همان، ص ۳۷۲)

در آسمان بودن خداوند

ابن تیمیه در آسمان بودن خداوند را با دلایل ذیل ثابت می کند و می گوید:

استوای خداوند بر عرش مجیدش حقیقت است و به معنای مجازی نیست. ابن عبد البر در کتاب التمهید شرح الموطأ و آن بهترین کتابی است که در این زمینه نوشته شده، می گوید: حدیث نزول مورد اتفاق همه است و اهل حدیث در صحت آن اختلاف ندارند همه آن را صحیح می دانند. و این حدیث دلیل بر این است که خداوند در بالای هفت آسمان بر عرش خود نشسته است. چنانچه اهل سنت این قول را قبول می کنند و این دلیل عیله معتزله که می گویند: خداوند در همه جا است و بر عرش نیست.

دلیل اهل الحق در این ادعا آیات قرآنی هستند که می فرماید:

الرحمن على العرش استوى (طه، ۵)

اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه (فاطر، ۱۰)

تعرج الملائكة والروح اليه (معارج، ۴)

يا عيسى انى متوفيك ورافعك (آل عمران، ۵۵)

این دیدگاه مورد اتفاق و قبول عامه و خاصه است و هیچ کس در این اختلاف نکرده است. (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۳ / ص ۲۲۰)

ابن تیمیه با حدیث نزول که می گوید: "خداوند هر شب به آسمان زمین نازل می شود" در آسمان بودن خداوند را ثابت می کند و می خواهد بگوید که این نزول به این معنا است خداوند از بالا یعنی از آسمان به زمین نازل می شود و این خودش دلیل بر این است خدا در آسمان ها قرار دارد چون نزول بالا به پایین می شود. و دلیل دیگر بر این ادعا آیاتی است به بالا رفتن ملائکه و

عمل صالح و نیز حضرت عیسی می رساند. این استدلال غلط ایشان باز هم از دیدگاه انحرافی او در باره آیات متشابه نشات می گیرد. چون ابن تیمیه معنای ظاهری آیات و معنای لغوی آیات را دلیل در فهم آنها می داند.

استوای بر عرش

ابن تیمیه در باره مستوی شدن خداوند بر عرش خود و اثبات این مسئله به دلایل ذیل استناد می کند:

أبو عمرو الطلمنکی می گوید: همه اهل سنت و جماعت اتفاق دارند بر اینکه خداوند عرشی دارد و بر عرش و علم و قدرت و تدبیرش استوا کرده است. و بعد می گوید: اهل سنت اتفاق دارند بر اینکه منظور از "وهو معکم اینما کنتم" و مانند این آیات علم خداوند است. و خداوند در بالای آسمان با ذات خود بر عرش خود استوا کرده است هر طوری که بخواهد. اهل سنت بر حقیقی بودن استوی و مجازی نبودن آن قائل هستند. دلیل شان بر این مدعا آیات ذیل است:

فاذا استویت أنت ومن معک علی الفلک (سوره مومنون، آیه ۲۸)

لتستووا علی ظهوره (سوره زخرف، آیه ۱۳)

واستوت علی الجودی (سوره هود، آیه ۴۴)

ولی متکلمین از اهل اثبات در باره دیدگاه هایی دارند. مالک می گوید: استوی معقول است و کیفیت آن مجهول است و ایمان به آن واجب و سوال از آن بدعت است. (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۵ / ص ۵۱۹)

ایشان (ابن تیمیه) بعد از ذکر چند دیدگاه در این زمینه و رد برخی از این دیدگا ها می گوید: استوا فعل خداوند است که خداوند با مشیت و قدرت خود آن را انجام می دهد. و بنابر این استوا از صفات خداوند است که از طریق روایات به ما رسیده است.^۱

^۱ - احمد بن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی؛ ج ۵ / ص ۵۲۳؛ منظور از مستندات روایی روایت ذیل ایست: سنن النسائی / ج ۶ / ۴۲۷ / سورة السجدة حدثنا أبو عبيدة الحداد، قال: نا الأخصر بن عجلان، عن ابن جريج المكي، عن عطاء، عن أبي هريرة أن النبي صلى الله عليه وسلم أخذ بيدي فقال: «يا أبا هريرة إن الله خلق السماوات والأرضين وما بينهما في ستة أيام ثم استوى على العرش يوم السابع وخلق التربة يوم السبت والجبال يوم الأحد والشجر يوم الاثنين والتقى يوم الثلاثاء والنور يوم الأربعاء والدواب يوم الخميس و آدم يوم الجمعة في آخر ساعة من النهار

رؤیت خدا در قیامت

ابن تیمیه بعد از آنکه بر رویت خداوند در آخرت تاکید می کند برای اثبات این موضوع به دلایل ذیل استناد می کند:

دلایل قرآنی :

یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه (ا بن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۶ / ص ۴۸۸)

وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده

ان الابرار لفی نعیم علی الأرائک ینظرون وقوله لهم ما یشاءون فیها ولدینا مزید و آیات دیگر..... (ابن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۶ / ص ۴۸۹)

ادله روایی:

قوی ترین دلیلی که اهل اثبات در باره رویت به آن تمسک می کنند حدیث صحیح مسلم است: عن سهیل بن أبی صالح عن أبیه عن أبی هریره رضی الله عنه قال : سأل الناس رسول الله صلی الله علیه وسلم فقالوا : یا رسول الله هل نری ربنا یوم القیامة ؟ فقال : هل تضارون فی رؤیة الشمس عند الظهیرة لیست فی سحاب ؟ قالوا : لا یا رسول الله قال : فهل تضارون فی رؤیة القمر لیلة البدر لیس فی سحاب ؟ قالوا : لا یا رسول الله قال : فوالذی نفسی بیده لا تضارون فی رؤیة ربکم إلا کما تضارون فی رؤیة أحدهما قال : فیلقی العبد فیقول : أی فلان ألم أکرمک ؟ ألم أسودک ؟ ألم أزوجک ؟ ألم أسخر لک الخیل والإبل وأترکک ترأس وتربع ؟ قال : فیلقول : بلی یا رب قال : فظننت أنک ملاقی ؟ فیلقول : یا رب لا . قال : فالیوم أنساک کما نسیتنی . قال : فیلقی الثانی فیقول : ألم أکرمک ؟ ألم أسودک ؟ ألم أزوجک ؟ ألم أسخر لک الخیل والإبل وأترکک ترأس وتربع ؟ قال : فیلقول : بلی یا رب قال : فظننت أنک ملاقی ؟ فیلقول : یا رب لا . قال : فالیوم أنساک کما نسیتنی . ثم یلقى الثالث : فیلقول له مثل ذلك . فیلقول : یا رب أمنت بک وبکتابک وبرسلک وصلیت وصمت وصدقته ویشئنی بخیر ما استطاع فیقال : ألا نبعث شاهدنا علیک فیتفکر فی نفسه من یشهد علی فیختم علی فیهِ ویقال لفخذه : انطقی فتنطق فخذہ ولحمه وعظامه بعمله وذلك لیعذر من نفسه وذلك المنافق الذی سخط الله علیه

از سهیل بن ابی صالح از پدرش از ابی هریره رضی الله عنه نقل می کنند که گفت:

مردم از رسول الله (ص) سوال کردند: آیا روز قیامت خدا را می بینیم؟

فرمود: موقع ظهر در دیدن آفتاب که ابری مانع از آن نباشد شک می کنید؟

گفتند: نه، یا رسول الله(ص)

آنگاه حضرت سوال فرمود: آیا در دیدن ماه چهارده شبهه که ابری در جلوش نیست تردید دارید؟

گفتند: نه، یا رسول الله(ص)

سوگند به کسی که جان در دست او است چنانچه در دیدن ماه و آفتاب تردید نمی کنید در دیدن ربتان نیز تردید نمی کنید.

عبدی خدای را ملاقات می کند و خداوند به او می گوید: آیا تو را امرام نکردم؛ به تو آقایی ندادم؛

تزویح نکردم؛ آیا برای تو حیوانات را تسخیر نکردم و آنها را مطیع تو نکردم؟

عبد می گوید: بلی یا ربی

خداوند می گوید: آیا گمان کردی مرا ملاقات نمی کنی؟

عبد می گوید: نه، یا ربی

خداوند می گوید: امروز تو را فراموش می کنم چنانچه تو مرا فراموش کردی.

عبد دوم خدای را ملاقات می کند و خداوند به او می گوید: آیا تو را امرام نکردم؛ به تو آقایی

ندادم؛ تزویح نکردم؛ آیا برای تو حیوانات را تسخیر نکردم و آنها را مطیع تو نکردم؟

عبد می گوید: بلی یا ربی

خداوند می گوید: آیا گمان کردی مرا ملاقات نمی کنی؟

عبد می گوید: نه، یا ربی

خداوند می گوید: امروز تو را فراموش می کنم چنانچه تو مرا فراموش کردی.

عبد سوم خدای را ملاقات می کند و آن مانند اولی و دومی می گوید.

بعد می گوید: یا ربی به تو و کتاب تو و رسل تو ایمان آوردم و نماز خواندم و روزه گرفتم و تو را

تصدیق کردم و به اندازه توانم به تو حمد و ثنا گفتم.

به او گفته می شود: آیا شاهد خودمان را بر عیله تو بیاوریم؟ عبد به فکر فرو رفت که این شاهد

کیست؟ دهانش بسته شد و به رانش گفته شد: حرف بزنی و رانش و گوشتش و استخوانش حرف

زندند (این کار بخاطر عذری بود که آورده است) این منافقی است که خداوند بر آن غضب کرده

است. (احمد بن تیمیه حرانی؛ رسالۀ إلی أهل البحرین فی رؤیة الکفار ربهم، ج ۱ / ص ۵۰؛

احمد بن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی، ج ۶ / ص ۴۸۸)

ابن تیمیه حدیث دیگری که در این زمینه به آن استناد کرده:

الزهري عن سعيد بن المسيب وعطاء بن يزید عن أبي هريرة أن الناس قالوا يا رسول الله هل

نرى ربنا يوم القيامة قال هل تمارون في القمر ليلة البدر ليس دونه سحاب قالوا لا يا رسول الله



قال فهل تمارون في الشمس ليس دونها سحاب قالوا لا قال فانكم ترونه كذلك يحشر الناس يوم القيامة

در صحیحین آمده است که زهری از سعید بن المسیب و عطاء بن یزید از ابی هریره نقل کردند مردم گفتند:

یا رسول الله (ص) آیا روز قیامت خداوند را می بینیم؟

فرمود: در دیدن ماه در شب چهاردهم که در مقابلش ابری وجود ندارد کوچکترین اختلاف در میان شما متصور است؟

گفتند: نه، یا رسول الله (ص)

فرمود: در دیدن خورشید که ابری در مقابلش نیست اختلاف می کنید؟

گفتند: نه، یا رسول الله (ص)

فرمود: روز قیامت در دیدن خدا کوچکترین اختلاف نمی کنید. (احمد بن تیمیه حرانی؛ مجموع الفتاوی ج ۶ / ص ۴۹۱)

یکی از مباحث مورد اتفاق بین همه نص گرایان اهل سنت رویت خداوند در قیامت است. و توجه به اینکه ابن تیمیه نص گراو ظاهر گرا است این دیدگاه را قبول دارد و بر اثبات آن پافشاری می کند و از آیات و از روایات ابوهریره که آنها صحیح و دلیل محکم می شمارد دلیل می آورد. این دیدگاه دلیل روشنی بر قائلیت تجسیم ابن تیمیه است. چون چیزی که جسم نباشد چگونه دیده می شود؟

دیدگاه ابن تیمیه در باره حدیث صورت

یکی از مباحث که ابن تیمیه بدون در نظر گرفتن مخالفت های اکثر اهل حدیث و نصگرایان در باره حدیث (خلق الله آدم علی صورته)، ابن تیمیه اصرار می کند که منظور از حدیث این است که صورت آدم شبیه خداوند آفریده شده است. ولی اکثر اهل حدیث و نصگرایان حدیث به معنای دیگر تفسیر می کنند. ما دیدگاه علمای دیگر فرق را در مباحث گذشته بیان کردیم و الان دیدگاه ابن تیمیه را مورد بررسی قرار می دهیم.

ابن تیمیه در کتاب بیان تلبیس الجهمیه بعد از نقل این حدیث می گوید:

همه علمای سلف راویان این حدیث را قبول کردند و هیچ کس به این راویان اشکال نکردند و علاوه بر این در مورد مشهور بودن حدیث هیچ شکی نیست. دلیل بر اشتها حدیث عدم انکار علمای امت إطلاق: ان الله خلق آدم علی صورة الرحمن؛ بلکه إطلاق این حدیث مورد اتفاق همه علما است. (ابن تیمیه حرانی؛ بیان تلبیس الجهمیه؛ ج ۶ ص ۴)

این عبارت " علی صورة الرحمن " دلیل بر آن است که ضمیر (علی صورته) به خداوند متعال بر می گردد به حضرت آدم بر نمی گردد. علما نیز این دیدگاه را قبول می کنند. دلیل دیگر در تایید این معنا حدیثی است که ابن عباس نقل می کند: عمدا یکی از مخلوقات را بر صورت خود خلق کردم. (همان، ج ۶ ص ۴۴۷) ابن تیمیه همان معنا در جای دیگر کتابش نقل می کند: لا تقبحوا اوجه فی ان الله خلق آدم صورة الرحمن (همان، ج ۶ ص ۳۶۷)

این تیمیه در باره سند حدیث می گوید: در سند این حدیث کسی که متهم به کذب باشد وجود ندارد و حدیث با احادیث مشهور مخالفت نمی کند و حدیث را به عنوان حدیث حسن قبول می کند. در حاشیه کتابش می گوید: احمد بن حنبل حدیث را صحیح می شمارد. (همان، ص ۳۶۷)

این تیمیه صورت را یکی از صفات خداوند می شمارد و در این مورد می گوید:

کلمه صورتی که در حدیث آمده، مانند دیگر اسما و صفات خداوند است که مخلوقات را با آن نامیده ولی با قید و این صفات به طور مطلق مخصوص خداوند است مانند: علیم، قدیر و رحیم و سمیع و بصیر و خلق کردن با دست و استوای بر عرش و در ادامه می گوید: برای هر موجود باید صفاتی باشد که به آن استوار شود. و هر قائم بنفس باید صورت داشته باشد. صورت نداشتن موجود قائم بنفس امکان ندارد. (همان، ص ۳۹۰-۳۹۱)

با این بیان ثابت می کند که صورت یکی از صفات خداوند است و هر صفاتی خداوند در قرآن ذکر کرده است بر ما واجب است که آن قبول کنیم و به آن امیان داشته باشیم.

مخالفت ابن تیمیه با قواعد مسلم ادبی

ابن تیمیه با توجه به پیش فرض و دیدگاه غلط خودش در تفسیر حدیث صورت با اکثر علمای اهل سنت مخالفت کرده و حتی قواعد ادبی مسلم را نادیده گرفته و به آن اعتنا نکرده است. بر اساس قاعده مسلم ادبی ضمیر باید به نزدیک تر برگردد و نزدیک ترین کلمه به ضمیر موجود در -صورت- در حدیث صورت کلمه آدم است. ولی ابن تیمیه به برگشتن ضمیر به " الله " اصرار می کند.

ایشان برای اثبات دیدگاه خودش به احادیث ابو هریره استناد می کند:

لا تقبحوا اوجه، فی ان الله خلق آدم صورة الرحمن

إذا ضرب أحدکم فلیتجنب اوجهه، فی ان صورة الانسان صورة الرحمن

این روایات منشا و خواستگاه دیدگاه ابن تیمیه شده است. (حمد بن تیمیه حرانی؛ بیان تلبیس الجهمیة: ج ۶ ص ۴) پیروان ابن تیمیه نیز به دیدگاه ایشان به شدت اصرار می کنند و حتی در اثبات این مسئله کتابهای مستقلی نیز به رشته تحریر درآوردند. مانند:



عقیده أهل الإيمان فی خلق آدم علی صورة الرحمن؛ تألیف حمود بن عبد الله بن حمود التویجری.

و این باز به این کتاب تقریظ نوشته و می گوید: " این کتاب خیلی ارزشمند و مفید است. در این کتاب احادیث صحیح در باره "خلق آدم علی صورة الرحمن، مجيء الرحمن يوم القيامة علی صورته"

ایشان حق مطلب را به صورت واضح و مفید بیان کرده است و آن برگشت ضمیر به خداوند متعال است."

کتاب دیگری نیز به نام " أحادیث العقیده المتوهم إشکالها فی الصحیحین جمعا ودراسة" تألیف دکتور سلیمان الدبیخی؛ در این کتاب در باره موضوع نامبرده مفصل بحث کرده و می گوید: اصل این است که لفظ را بر ظاهر حمل کنیم و لذا در این حدیث ضمیر به خداوند متعال برمی گردد. (سلیمان الدبیخی؛ أحادیث العقیده المتوهم إشکالها فی الصحیحین جمعا ودراسة؛ ص ۱۲۶-۱۲۷)

کتاب دیگری را عبد الله الدرویش به نام "**دفاع أهل السنة والإیمان عن حدیث خلق الله آدم علی صورة الرحمن**" نوشته و در آن دیدگاه های ابن خزیمه و البانی و شیخ حماد الأنصاری را رد کرده است. دیدگاه علمای نامبرده این است که ضمیر به حضرت آدم برمی گردد.

چنانکه ملاحظه فرمودید ابن تیمیه بخاطر دیدگاهی که در باره خداوند دارد بدون در نظر گرفتن قواعد ادبی و مخالفت علمای اهل سنت مانند: ابن خزیمه (محمد بن اسحاق بن خزیمه، کتاب التوحید؛ ج ۱ ص ۹۶-۱۰۰) و ابن حجر (احمد بن علی بن حجر، فتح الباری بشرح صحیح البخاری؛ ج ۵ ص ۱۳۳) و عینی (بدرالدین عینی، عمدة القاری بشرح صحیح البخاری؛ ج ۲۲ ص ۲۲۹) و نووی (یحیی بن شرف نووی، شرح مسلم؛ ج ۱۷ ص ۱۷۸، باب جهنم) و ابن حبان (محمد بن حبان، صحیح ابن حبان بترتیب بلبان؛ ج ۱۴ ص ۳۴، وصف طول آدم حیث خلقه الله) و سیوطی (جلال الدین سیوطی الدیباج علی مسلم؛ ج ۶ ص ۱۸۷) و أبو الفرج عبد الرحمن بن الجوزی الحنبلی (أبو الفرج عبد الرحمن بن الجوزی الحنبلی، دفع شبه التشبیه؛ ص ۱۴۶) و مناوی (المناوی، فیض القدير؛ ج ۳ ص ۵۹۲، الحدیث: ۳۹۲۸، فصل فی حرف الخاء.) و البانی (ناصر الدین البانی، سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعه؛ ج ۳ ص ۳۱۵-۳۱۶) با دیدگاه او (یعنی برگشت ضمیر به خداوند) بر تشبیه خداوند متعال به آدم اصرار می ورزد و دلیل ابن تیمیه نیز احادیثی است که از طرف علمای نامبرده یا از نظر سندی و یا محتوایی تضعیف شده است. ولی

ایشان از تعصبش دست بر نمی دارد و بر این دیدگاه پافشاری می کند و می گوید که خداوند شبیه آدم ع است و پیروانش هم برای دفاع از وی کتاب های مستقلی در باره این حدیث می نویسند.

نتیجه

بعد از مطالعه و بررسی دیدگاههای سلفیان و وهابیان در باره خداوند و صفات خبری خدا به نتایج ذیل دست می یابیم:

۱- سلفیان به جسمانیت خداوند متعال قائل هستند ولی می گویند: جسم خداوند متعال با اجسام متعارف فرق دارد. مانند اجسام مخلوقات او نیست. و کیفیت جسم خداوند بر ما معلوم نیست. و دلیل و مستندات آنها روایات ابوهریره می باشد. وی به استناد روایات ابوهریره برای خداوند جسم قایل می شود. مثلاً می گوید: خداوند دست دارد و دلیل روایی اش احادیث ابوهریره است.

۲- صفات خبری خداوند را به معنای حقیقی و لغوی آن معنا می کنند و می گویند: ما به آنها باور داریم و آیاتی در باره صفات خداوند وارد شده است ما آنها را قبول داریم، تحریف نمی کنیم و کیفیتش را بیان نمی کنیم و در مورد آنها قائل به تعطیل و تاویل نیستیم. و بر اساس عقل بر چیزی حمل نمی کنیم. و صفات خداوند را به صفات مخلوقات تشبیه نمی کنیم و بر اساس رای خودمان عمل نمی کنیم. و چیزی از آنها کم و زیاد نمی کنیم. بلکه به آنها ایمان می آوریم. علم آنها به عالم واگذار می کنیم. چنانچه سلف صالح عمل کردند. و نیز ایمان به صفات را واجب و سوال از آن بدعت می دانند.

۳- مبنای آنها در تفسیر صفات خبری اخذ به معنای ظاهری و لغوی و عدم تاویل و تفسیر صفات خبری می باشد. ابن تیمیه در بحث دست می گوید: ما منکر زبان عربی که قرآن با آن زبان نازل شده، نیستیم. ولی تاویل کنندگان صفات خداوند آیات صفت را تحریف کردند و در اسمای و آیات خداوند منحرف شدند و گفتند که منظور از "یداه مبسوطان و لما خلقت بیدی" نعمت دنیا و آخرت است. و گفتند منظور قدرت خداوند است. کنایه از خود بخشش است و دست در این آیات غیر حقیقی است. بلکه این کلمه در عطا و بخشش حقیقت دارد.

۴- دلایل و مستندات سلفیان در همه مباحث صفات خداوند و تجسیم آیات متشابه و روایات ابوهریره است. در بحث های اعضا و جوارح داشتن خداوند مانند دست و پا و صورت و خنده خداوند و نیز مکان و رویت خداوند از روایات ابوهریره اثر پذیرفته است. و همه روایات ابوهریره صحیح و قوی ترین دلیل می داند.





فهرست منابع

- ۱- ابن اسماعیل بخاری، محمد، الصحيح، دار ابن كثير، اليمامة، بيروت، ۱۹۸۷م، الطبعة الثالثة
- ۲- ابن الجوزي الحنبلي؛ أبو الفرج عبد الرحمن، دفع شبه التشبيه؛ تحقيق وتعليق محمد زاهد الكوثري، المكتبة الأزهرية للتراث.
- ۳- ابن تيمية حراني، احمد مجموعة الرسائل الكبرى، الرسالة التاسعة، دار إحياء التراث العربي؛ بی جا، ۲۰۰۸ م
- ۴- ابن تيمية حراني، احمد، مجموع الفتاوى، تحقق: عامر الجزار و انور الباز؛ دار الوفاء، بی جا، ۲۰۰۸ م
- ۵- ابن تيمية حراني؛ احمد؛ العقيدة الواسطية، المحقق: سعد بن فواز الصميل؛ دار ابن الجوزي؛ بی جا؛ ۱۴۲۱ هـ.ق
- ۶- ابن علی بن حجر، احمد؛ فتح الباری بشرح صحيح البخاری: محمد فؤاد عبد الباقي، دار السلام؛ رياض، الطبعة الاولى؛ ۲۰۰۰ م
- ۷- ابن تيمية حراني، احمد؛ موافقة صريح المعقول لصحيح المنقول، محقق: محمد رشاد سالم؛ جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، بی جا، ۱۴۱۱ هـ ق
- ۸- ابن تيمية حراني، احمد؛ منهاج السنة، تحقيق، محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶
- ۹- ابن حجاج نيشابوري، مسلم، صحيح مسلم، دار إحياء التراث العربي، بيروت
- ۱۰- ابن حنبل، احمد، المسند، المطبعة الميمنية، القاهرة، ۱۳۰۷ ق
- ۱۱- ابن عبد الله بن بطوطة اللواتي، محمد، الرحلة، طبع دار صادر، ۱۳۸۴ هـ
- ۱۲- ابن يزيد بن ماجه قزويني، محمد، السنن، دار الجيل ببيروت، ۱۴۱۸ ق
- ۱۳- ابن تيمية حراني؛ احمد؛ رسالة إلى أهل البحرين في رؤية الكفار ربهم، مكتبة مشكاة الإسلامية؛ بی تا؛ بی جا
- ۱۴- ابن اسحاق بن خزيمة، محمد؛ التوحيد، بتحقيق د. عبد العزيز بن إبراهيم الشهوان، مكتبة الرشد، الرياض، الطبعة السادسة، ۱۹۹۷ م
- ۱۵- ابن تيمية حراني، احمد، بيان تلبیس الجهميه، محقق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم، مطبعة الحكومة، مكة المكرمة الطبعة الأولى، ۱۳۹۲
- ۱۶- الباني، محمد ناصر الدين؛ سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة؛ مكتبة المعارف، الرياض، ط ۱؛ 1992 م

- ١٧- الديبختى ؛ سليمان بن محمد ؛ أحاديث العقيدة المّ توهّم إشكالها فى الصحيحين جمعا ودراسة؛
- ١٨- المناوى، عبد الرؤوف؛ فيض القدير؛ دار المعرفة، بيروت، ط ٢؛ ١٣٩١ هـ
- ١٩- بدرالدين عيني، عمدة القارى بشرح صحيح البخارى؛ ودار الكتب العلميّة، بيروت، ط ١، ٢٠٠١ م
- ٢٠- ترمذى، عيسى بن محمد، سنن، دار احياء التراث العربى، بيروت، ٢٠٠٠ م
- ٢١- سيوطى، جلال الدين؛ الديباج على مسلم، دار ابن عفّان، السعديّة، ط ١؛ ١٩٩٦ م
- ٢٢- سبحانى، جعفر، الالهيات، المركز العالمى للدراسات الإسلاميه؛ قم، ١٤١٢ ق
- ٢٣- شهرستانى؛ محمد بن عبد الكريم ، الممل و النحل، الشريف الرضى؛ قم؛ ١٣٦٤ ش
- ٢٤- شيرازى؛ ناصر مكارم، تفسير نمونه، دار الكتب الإسلاميه؛ تهران؛ ١٣٧٤ ش ، چاپ: اول
- ٢٥- طبرسى، فضل بن حسن ؛ مجمع البيان، انتشارات ناصر خسرو، تهران؛ ١٣٧٢ ش ؛ چاپ: سوم، تحقيق: محمد جواد بلاغى
- ٢٦- محمد بن حبان ، صحيح ابن حبان بترتيب بلبان: تحقيق؛ أحاديث شعيب الأرئوط، مؤسسّة نووى؛ يحيى بن شرف ، شرح مسلم؛ دار الكتاب العربى، بيروت، ١٩٨٧ م.